



۴ فرض اساسی در تحلیل تکنیکال

نویسنده: فرهاد علیمرادی - مدیر وبسایت فیبو بورس

«بازار همواره در حال گفت‌وگو با ماست، اما فقط کسانی که زبان آن را می‌فهمند می‌توانند از آن سود ببرند.»

تحلیل تکنیکال (Technical Analysis) دقیقاً همان ابزار قدرتمندی است که به ما کمک می‌کند الفبای این زبان پیچیده را درک کنیم. امروزه تحلیل تکنیکال نه تنها یک ابزار، بلکه زیربنای تصمیم‌گیری در تمام بازارهای مالی است.»



پیش از آنکه بخواهید وارد دنیای نمودارها، اندیکاتورها و استراتژی‌های پیچیده شوید، باید زیربنای فکری این علم را بشناسید. در واقع، بدون درک فرض‌های اساسی تحلیل تکنیکال، معامله‌گری در بازار مانند حرکت در جاده‌ای مه‌آلود بدون چراغ راهنماست. در این مقاله، به کالبدشکافی ۴ اصل حیاتی می‌پردازیم که تمام روش‌های معاملاتی بر پایه آن‌ها بنا شده‌اند.

۴ فرض اساسی در تحلیل تکنیکال

- ۱- تداوم رفتار قیمت تا زمان اثبات خلاف آن
- ۲- وجود تفسیرهای متضاد برای هر پدیده قیمتی
- ۳- تحلیل تکنیکال (بازار) بر دستورها چیره خواهد شد.
- ۴- آینده، چهره‌ای مشابه گذشته را به شما نشان خواهد داد.

۱- تداوم رفتار قیمت تا زمان اثبات خلاف آن

اولین و شاید کلیدی‌ترین فرض در تحلیل تکنیکال این است که قیمت تمایل دارد به روند فعلی خود ادامه دهد، مگر اینکه نیرویی خارجی یا شواهدی قطعی مبنی بر تغییر آن ظهور کند.



این فرضیه که ستون فقرات تحلیل تکنیکال در تشخیص جهت بازار است ؛ در فیزیک به قانون لختی یا "حفظ وضعیت موجود" شباهت دارد و بیان می‌کند که احتمال ادامه یک روند همواره بیشتر از احتمال برگشت آن است.

تحلیل روند در نمودارها

اگر یک روند صعودی یا نزولی در حال وقوع باشد، کسانی که از تحلیل تکنیکال استفاده می‌کنند، انتظار دارند این حرکت تداوم یابد. تغییر جهت روند تنها زمانی پذیرفته می‌شود که نشانه‌های فنی واضحی مبنی بر تغییر روند مشاهده شود.

به عنوان مثال به نمودار جفت ارز CADCHF توجه کنید.





در این نمودار روند صعودی است و تحلیلگران انتظار دارند که این روند ادامه یابد مگر اینکه نشانه‌هایی مانند شکست خط روند یا الگوی یا الگو شمعی اتفاق بیفتد تا خلاف آن را ثابت کند. در ادامه همان‌طور که در تصویر شماره ۲ می‌بینید قیمت با یک کندل نزولی قوی به خط روند برخورد کرده است اما هنوز آن را شکسته است پس فعلاً در وضعیت صعودی هستیم.





در تصویر شماره ۳ قیمت با قدرت خط روند صعودی را شکسته است
در نتیجه فرض حفظ وضعیت موجود زیر سوال می‌رود. در نهایت در
تصویر ۴ قیمت به نزول خود ادامه داده است.





این فرضیه در مورد الگوهای نموداری، سطوح حمایت و مقاومت و ... بازار نیز صادق است. به مثال بعدی توجه کنید. اگر بازار در یک محدوده معاملاتی خنثی قرار داشته باشد، انتظار می‌رود که این روند ادامه یابد تا زمانی که یک شکست واضح رخ دهد. تصویر شماره ۵ نمونه‌ای از این اتفاق را نشان می‌دهد.



نکته کلیدی: تا زمانی که خطری جدی یک روند را تهدید نکند، فرض بر بقای آن روند است. روش شناسایی این "تغییر رفتار" کاملاً به سبک معاملاتی و استراتژی شخصی شما در تحلیل تکنیکال بستگی دارد.



۲- وجود تفسیرهای متضاد برای هر پدیده قیمتی

دومین فرض در تحلیل تکنیکال بیان می‌کند که هیچ پدیده مطلقاً مثبت یا منفی وجود ندارد؛ بلکه همه‌چیز به زاویه دید بستگی دارد. به عنوان مثال افزایش قیمت مسکن برای یک صاحب‌خانه ممکن است یک نکته مثبت باشد زیرا ارزش دارایی‌اش بالا رفته است و در عین حال برای یک خریدار یک نکته منفی تلقی می‌شود چرا که توانایی خرید او کاهش پیدا می‌کند.

و یا در مورد افزایش مدت زمان کار نیز این موضوع صدق می‌کند. شخصی ممکن است افزایش مدت زمان کار را یک فرصت برای افزایش درآمد بداند و شخص دیگری شاید آن را مفید نداند چرا که باید از زمان استراحت و تفریح خود بکاهد.

این فرض در بازارها به ما می‌گوید که در برابر هر تفسیر صعودی از رفتار قیمت، یک تفسیر نزولی متضاد نیز وجود دارد. این مسئله نشان می‌دهد که تحلیل تکنیکال ذاتاً موضوعی «ذهنی» است و به دیدگاه هر تحلیل‌گر بستگی دارد. یک مثال معروف در این زمینه، وجود تناقض در ابزارهای تحلیل تکنیکال مانند اندیکاتورهای قیمتی است.



نام این اندیکاتور «استوکستیک» است. این اندیکاتور در حالت اشباع خرید قرار گرفته است؛ چرا که بالای عدد ۸۰ قرار دارد. همین اتفاق، دو تفسیر مختلف را برای معامله‌گران ایجاد می‌کند:

۱- عده‌ای از معامله‌گران اعتقاد دارند که ورود اندیکاتور به منطقه اشباع خرید، یک نشانه منفی است؛ چرا که معتقدند در این حالت بازار رشد کافی کرده است و به‌زودی نزول می‌کند.



۲- در مقابل، تحلیل‌گرانی نیز وجود دارند که ورود اندیکاتور استوکستیک به منطقه اشباع خرید را یک فرصت معاملاتی برای «خرید» می‌دانند؛ زیرا معتقدند خریداران در این حالت به اوج قدرت خود رسیده‌اند و این وضعیت، بهترین زمان برای همراهی با روند است.

مثال دیگری از این تضاد دیدگاه، «شکست کانال‌های قیمتی» در تحلیل تکنیکال است. به عنوان نمونه، بیایید یک کانال صعودی را بررسی کنیم؛ اگر مطابق تصویر زیر، خط بالایی (سقف) کانال شکسته شود، شما خریدار خواهید بود یا فروشنده؟





هر جوابی که شما بدهید درست است زیرا هر دو حالت ممکن است در بازار اتفاق بیفتد:

عده‌ای اعتقاد دارند که شکست خط بالایی کانال صعودی نشانه قدرت قیمت و رشد بیشتر در آینده است. با بررسی بسیاری از نمودارها متوجه می‌شوید که این نگرش در بسیاری از موارد درست کار می‌کند.

اما نقطه مقابل آن چطور؟ قیمت خط بالایی کانال صعودی را بشکند و سپس نزول کند و به عبارتی دیگر شکست جعلی رخ دهد. خواهید دید که این سناریو نیز در بسیاری از مواقع درست از آب در می‌آید. نتیجه تحلیل کانال صعودی را ببینید. حالت دوم یعنی شکست جعلی رخ داده است.



حال، این سوال ایجاد می‌شود که نظر کدامیک درست است؟ باید گفت که هر دو نظر درستی دارند چرا که قبلاً گفتیم تحلیل تکنیکال یک موضوع ذهنی است و تمام افراد به یک شکل به بازار نگاه نمی‌کنند.



نکته طلایی: اگر همه معامله‌گران به یک شکل به نمودار نگاه می‌کردند، دیگر بازاری شکل نمی‌گرفت. وجود تضاد در تحلیل و دیدگاه است که نقدینگی و جریان معامله را ایجاد می‌کند؛ بنابراین همواره به استراتژی شخصی خود پایبند باشید و از دنباله‌روی کورکورانه پرهیز کنید.

۳- بازار بر دستورها چیره خواهد شد!

یکی از باورهای اشتباه در میان تحلیلگران مبتدی تکنیکال، اعتقاد به دستکاری همیشگی و دائمی در بازارهاست. اما سومین فرض در تحلیل تکنیکال تأکید می‌کند که قیمت در نهایت بر تمامی دستکاری‌ها و دستورهای دستوری غلبه خواهد کرد. اگر شما ادعا دارید که در سهام مدنظرتان دستکاری صورت می‌گیرد و روند طبیعی ندارد، باید به شما بگوییم که این اتفاق موقتی خواهد بود و تنها بر روند کوتاه‌مدت تأثیر خواهد گذاشت. با وجود انواع دستکاری‌هایی که روزانه در بازار سهام رخ می‌دهد، غیرممکن است که بتوان بر روندهای بلندمدت (مانند روندهای دو ساله، سه ساله و...) تأثیر گذاشت و بازار را از حالت طبیعی خارج کرد.



آقای رابرت پرکتر، تحلیل‌گر برجسته امواج الیوت بزرگ در کتاب خود بر اهمیت و کارایی تحلیل تکنیکال در بازارهای مالی به بهترین شکل اشاره کرده و می‌گوید:

شاید بتوان قیمت‌ها را برای مدتی محصور کرد، اما در بلند مدت بازار بر دستورها چیره می‌شود
و قیمت‌ها به روند اصلی که پشت آن روانشناسی جمعه نهفته است باز می‌گردد. روند ها قوی‌تر از دستورها هستند.

این نکته بر اهمیت تحلیل تکنیکال نیز می‌افزاید؛ چرا که تحلیل تکنیکال ابزاری است که کمک می‌کند روانشناسی جمعی را به راحتی درک کنید. از طرفی، این اصل ثابت می‌کند که حتی بازارهایی مانند بورس ایران نیز در بلندمدت تحلیل‌پذیر هستند؛ زیرا قدرت روندها همواره از قدرت دستورهای موقتی بیشتر است.



۴- آینده، چهره‌ای مشابه گذشته را به شما نشان خواهد داد.

این فرضیه در تحلیل تکنیکال به این معناست که الگوهای قیمتی گذشته، مجدداً در آینده تکرار می‌شوند. علت این امر به رفتارهای انسانی در بازارهای مالی بازمی‌گردد؛ رفتارهای انسانی عموماً تحت تأثیر احساسات جمعی مانند ترس، طمع و هیجان قرار دارند. این احساسات باعث می‌شود که افراد در موقعیت‌های مشابه، واکنش‌های مشابهی نشان دهند؛ از این رو، الگوهای قیمتی مشابهی در نمودارهای مختلف و در بازه‌های زمانی گوناگون تکرار می‌شوند.

البته توجه کنید که منظور از تکرار یک الگو یا پدیده در تحلیل تکنیکال، شباهت دقیق در زمان، قیمت و ساختار نیست؛ بلکه منظور تکرار «ماهیت» و «رفتار مشابه» آن است. برای درک بهتر به این مثال توجه کنید:

قیمت سهام و معادلات بارها به قیمت ۲۱۱ رسیده و نزول کرده است. بسیاری از معامله‌گران بر اساس اصول تحلیل تکنیکال، این سطح را به عنوان مقاومت می‌شناسند.



حالا اگر چند ماه بعد دوباره قیمت سهم به ۲۱۱ تومان برسد، احتمال زیادی وجود دارد که همان واکنش قبلی رخ دهد و دوباره فروشندگان قوی‌تر از خریداران شوند و نزول قیمت اتفاق بیفتد.

نکته: در مبحث الگوهای بازگشتی در تحلیل تکنیکال، واکنش به سطوح حمایتی و مقاومتی قدیمی، یکی از معتبرترین سیگنال‌هاست.



حال چرا این اتفاق می‌افتد؟ سه دلیل اصلی این اتفاق عبارتند از:

- معامله‌گرانی که در گذشته در این محدوده فروخته‌اند، احتمالاً همان منطقه را برای فروش مجدد مناسب می‌دانند.
- بسیاری از معامله‌گران که قبلاً خریدی انجام داده‌اند این سطح را روی نمودار به‌عنوان مقاومت مشخص کرده‌اند و با رسیدن قیمت به آن، سفارش‌های فروش خود را فعال می‌کنند.



• الگوریتم‌ها و ربات‌های معاملاتی که بر اساس گذشته بازار برنامه‌ریزی شده‌اند، در این محدوده وارد معامله فروش می‌شوند. الگوی «سر و شانه» در تحلیل تکنیکال مثال دیگری از این موضوع است. در دو تصویر زیر مشاهده می‌کنید که تصویر اول، الگوی سر و شانه صعودی در سهام «ریشمک» را نشان می‌دهد و نمودار دوم، جفت‌ارز EUR/CHF را نمایش می‌دهد که دوباره در آن، الگوی سر و شانه صعودی ساخته شده است. اگرچه الگوها شباهت صددرصدی ندارند، اما به هر حال در دسته الگوهای سر و شانه قرار می‌گیرند و در نتیجه، واکنش‌های تقریباً یکسانی ایجاد می‌کنند.





در الگوهای کندل تریدینگ نیز همین اتفاق می‌افتد. در تصاویر زیر می‌توانید نمونه‌های زیادی از تکرار یک الگوی مشخص را ببینید؛ در اینجا الگوی «پوشای نزولی» به صورت متوالی در اصلاحات روند نزولی ظاهر شده و باعث ادامه‌دار شدن روند نزولی گشته است.

نکته: الگوهای کندلی (شمعی) به خوبی می‌توانند نقاط پایان اصلاحات قیمتی را به شما نشان دهند. تکرار الگوها و اتفاقات نموداری، باعث خلق موقعیت‌های معاملاتی فراوان و در نتیجه کسب سود بیشتر می‌شود.



تکرار الگوها در تحلیل تکنیکال، باعث خلق موقعیت‌های معاملاتی فراوان و در نتیجه کسب سود بیشتر می‌شود.



تکنیک کاربردی: همبستگی نموداری در نمادهای یک گروه

نمادهای یک گروه معمولاً این فرض را خیلی بهتر به شما نشان می‌دهند. نمادهای یک گروه با هم «همبستگی نموداری» دارند؛ یعنی اگر در نموداری از یک گروه، الگوی «پرچم صعودی چهارگوش» رخ دهد و سپس رشدی صورت بگیرد، به احتمال زیاد سایر نمادهای همان گروه نیز الگوی پرچم صعودی را خواهند ساخت و رشد خواهند کرد (و یا حداقل الگوی صعودی مشابهی می‌سازند).

این فرض به ما کمک می‌کند که اگر در یک صنعت خاص دیدیم که ۴ سهم الگوی مشخصی ساخته و رشد یا نزول کرده‌اند، متوجه شویم که سایر نمادها نیز به احتمال زیاد آن الگو را خواهند ساخت؛ پس بهتر است زیر نظر باشند.

فراموش نکنید که شناسایی همبستگی در نمادهای یک صنعت، یکی از تکنیک‌های پیشرفته در تحلیل تکنیکال برای شکار سودهای گروهی است.



با درک این ۴ فرض اساسی، اکنون شما آماده‌اید تا یادگیری تحلیل تکنیکال را به صورت حرفه‌ای ادامه دهید و از آن به عنوان یک نقشه راه در معاملات خود استفاده کنید.

حتما نظر خود را در مورد این مقاله برای ما بنویسید!

مستر کورس کندل تریدینگ



در عرض ۷۲ ساعت معامله‌گری را آغاز کنید!

سرفصل‌های دوره:

دوره‌ای متفاوت برای شروع تحلیل تکنیکال!

- بخش اول: کندل تریدینگ ← دقیق‌ترین اصول تحلیل و معامله با کندل‌ها را بیاموزید!
- بخش دوم: تحلیل به روش HTP ← به استراتژی‌ها و روش‌های همگرایی مجهز شوید!
- بخش سوم: سیستم‌های فیلترینگ ← چهره دیگر نمودارهای قیمتی را تحلیل کنید!
- بخش چهارم: دنیای معامله‌گری ← حیاتی‌ترین ابزارهای یک معامله‌گر را بشناسید!

با تهیه این دوره چه مواردی را دریافت می‌کنید؟



۱۵ استراتژی قدرتمند که بر اساس اطلاعات دوره به شما داده می‌شود.



۵ آزمون جامع با سوالات متنوع و پاسخنامه تشریحی



۱۷۰ ویدیو، معادل **۷۲ ساعت** آموزش را دریافت می‌کنید.

این دوره ضمانت بازگشت وجه دارد!